

ماه پشت ابر بود

نوشته ی علیرضا طائب

ناشر: مانا طائب

ناشر برگزیده سال

۱۳۸۳

خورشیدی

استان آذربایجان غربی

سرشناسه: طائب، علیرضا

عنوان و نام پدید آور: ماه پشت ابر بود، رمان اجتماعی

مشخصات نشر: ارومیه، مانا طائب

مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص. رقعی

شابک: ۶-۲۸-۸۳۰۲-۹۶۴-۷۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: سرگذشت - رمان عشقی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ط ۴ ن ۹/۱۵۵ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۱

شماره کتابشناسی: ۱۵۰۹۴۹۶

سال چاپ اول بهار ۱۳۹۳

شماره شابک: ۶-۲۸-۸۳۰۲-۹۶۴

نویسنده علیرضا طائب

ناشر: مانا طائب، ارومیه قیمت: ۷۰۰۰۰ ریال

ویراستاری، ویرایش، بازخوانی: موسسه ی انتشارات مانا طائب ،

تعداد صفحات: ۱۹۴

چاپ: اول- تعداد: ۲۰۰۰ جلد سال چاپ: ۱۳۹۳

آدرس ناشر: ارومیه، شهرک فرهنگیان شمالی، کوچه ی، ۵ پلاک،

۱۵، انتشارات مانا طائب- آدرس دفتر: ارومیه، خیام جنوبی، پاساژ

خرم نشر مانا طائب

تلفن: ۳۳۸۲۳۶۴۱، ۳۳۸۲۶۳۰۹، ۹۱۴۱۴۶۴۷۸۷

..... سخن ناشر	۶
..... سخن نویسنده	۸
..... شهر و دیاری که در آن متولد شدم	۱۱
..... مهاجرت به تهران	۲۰
..... خانه ی آب شاهی	۲۲
..... گاردماشین دودی	۲۸
..... دوستی پدر و آمیز عبدالله	۳۴
..... آمیز عبدالله دوباره منو به خانه اش فرستاد	۴۵
..... حجت الاسلام والمسلمین آقای شیخ علی اکبر برهان	۴۷
..... ملاقات با زن سوم حاجی!	۵۰
..... مرد مخترع	۵۷
..... موفقیت مخترع در بزرگترین دلایلش!	۶۳
..... موفقیت هایم در تحصیل	۶۵
..... یافتن کار در چاپخانه ی کیهان	۶۸
..... معافیت از خدمت نظام وظیفه	۷۱
..... دریافت آگهی مهم	۷۳
..... دیدار با آقای شیرازی	۷۷
..... خانه ای که در دست اجاره کرده بودم	۸۰
..... در گذشت پدر	۸۲
..... ملاقات مجدد با آقای شیرازی	۸۴
..... داستان آقای شیرازی	۸۷
..... رفتن به سربازی	۹۱
..... خواستگار هانی برای پروانه	۹۳

۹۸	 دانستن راز پنهان
۱۰۴	 مراسم نامزدی و عقد کنان
۱۰۷	 آشنا شدن با پروانه
۱۱۶	 یک سال زندگی با پروانه
۱۱۷	 تصمیم برای رفتن به تهران
۱۱۹	 تصادف در جاده قم
۱۲۲	 آقای مدد کار انجمنی فر هیخته
۱۲۶	 مرخص شدن از بیمارستان سینا
۱۲۸	 آسایشگاه روحانی
۱۳۲	 گرفتاری در اداره
۱۴۲	 رفتن بخانه ی پروانه و ملاقات با او
۱۶۴	 رابطه بین آقای مجتبائی و شیرازی
۱۶۸	 در آسایشگاه رضائی
۱۷۱	 ملاقات آخر با آقای مجتبائی
۱۹۲	 از این نویسنده و از این انتشارات

علم و هنر جوی که در قرن بیست

بی هنران را نگذارند زیست

امر وز کار نشر با بُحران ها و نابسامانی روبروست، این بحران در شهرستان ها به خصوص وضع نا مساعد تری را تجربه می کند و می گذرانند! در دهه اخیر که دولت سوبسید کاغذ و خرید کتاب را محدود و حتی لغو کرد! چاپ کتاب دُچار وقفه و ... کتاب های اندکی به زیر چاپ رفت، دریغ است که در این کشور با همه ی سوابق تاریخی و فرهنگی و اجتماعی کتاب جزو سبد خانوادم به حساب نمی آید! بدبختانه مطالعه ی کتاب بسمت صفر میل می نماید! متأسفانه تنها کتاب های درسی زیر چاپ می رود، در این استان (آذربایجان غربی) نویسندگان و محققین فرهیخته و دانش پژوهی بسیار یافت می شوند، شاید به خاطر اینکه اغلب از پس هزینه های نشر بر نمی آیند آثارشان اغلب بچاپ نرسیده و بمرور زمان به کام فراموشی، و استعداد هایشان دُچار نابودی می گردد!

ناشران تهران و قم و بعضی از استان های دست اول دارای امکاناتی مانند اتحادیه، نمایشگاه های فصلی و خرید کتاب از طرف موسسات علمی و فرهنگی و ادارات دولتی و دانشگاه ها و بالاخره ویتترین مناسب جهت عرضه تولیداتشان و داشتن امکانات دیگر مانند بُنک داران کتاب می باشند. اما ناشران شهرستان (به خصوص استان آذربایجان غربی) از این

همه امکانات محروم اند، امید است اداره گل وزارت ارشاد اسلامی
آذربایجان غربی و مسئولین محترمش باین مُعضل مهم توجه و التفات
فرموده و راه حلی مناسب برای این امر بیندیشند.
و من الله التوفیق

www.ketab.ir

این قصه و سرگذشتی حقیقیست، در آن واقعیت هایی ملحوظ و شاید قابل بررسی و اندیشیدن! زندگی یک گذار و مسیریست که گاهی راهی دشوار را پیش روی ما می گستراند، که شخص را ببحران و نا همواری های خطرناک و مخوف می کشاند. دنیا مثل قمار است گاهی آدم می برد و گاهی هم می بازده، ازدواج یکی از مهم ترین با اهمیت ترین روی داد زندگیست، ای کاش کسانی که می خواهند با هم تشکیل خانواده دهند همه ی مشکلات و دگرگونی هایی که ممکن است در آینده و طول زندگی شان، بوجود آید و بوقوع بپیوندد، را مورد بینش و ملاحظه قرار داده و با یک برنامه ریزی درست و حساب شده زندگی مشترک را با تفاهم پی ریزی و بنا نمایند! بخصوص شناخت روحیات، اخلاقی و خانوادگی و اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی را در طول مسیر زندگی عهده دار است. پدر و مادرانی که با شناخت و تفاهم با یک دیگر زندگی مشترک را شروع می کنند معمولاً "فرزندانی را بوجود می آورند و تربیت می کنند که هم بدرد جامعه، هم راه گشای ترقی و تعالی زندگی خود می گردند. متأسفانه آمار و ارقامی که از جرائم و بزه کاری

ها و بدبختانه اعتیاد، در این مملکت مشاهده می شود بیشتر مربوط به طلاق و ازدواج های نا همگون و نا کارآمد و حساب نشده است که بچه های آنها مسافران راه های نرفته می شوند! هر چند، خیلی از پیش آمد ها را نمی توان پیش بینی نمود. اما با برنامه ریزی و شناخت مشکلات معمولاً می توان از بروز و وقوع بحران ها و روبرو شدن با پی آمد های ناهنجار جلوگیری کرد، باید بپذیریم ازدواج های درست و با شناخت، طرفین می توانند در بسامان رسیدن یک جامعه ی مترقی و پیش رفته نقشی اساسی و حساس داشته باشد. با این همه گاهی انسان مجبور و لابد می شود! در طول این زمان نتیجه گیری و تحلیل و گاهی نصیحت پرداخت! این روال در قصه نویسی مرسوم و متداول نیست البته شیوه نگارش و برقراری ارتباط بین مخاطبین و نویسنده چنین روشی را می طلبد! امید است کسان که می خواهند ازدواج کنند بیشتر با تحقیق! و بررسی وضعیت اخلاقی و فرهنگی هم و خانواده های یک دیگر بپردازند و با آگاهی و با اطمینان و شناخت و در صورت تعادل زندگی را شروع نمایند.